

خواهرم با زنان و مردانی
می‌رود جمعه «مولوی خوانی»
«باشنو از نی» همیشه می‌خواند
معنی‌اش را ولی نمی‌داند
جلساتش خوش است و شورانگیز
گاه در طرهبه‌ست و گه شاندیز

گاه در باغ دنجی و پر آب
تازگی هم درون کافه کتاب!
گفتم او را که: «خواهر نازم!
ای که هستی تو محرم رازم

خواهشاً بنده را ببر با خود
جلساتی که می‌روی، گر شد»

گفت: «باشد به روی چشمانم
نکنی البته پشیمانم!»

الغرض با زنان و مردانی
بنده رفتم به مثنوی خوانی!

بود در باغ دلکشی جلسه
هم زمین پر ز کفش و هم قفسه!

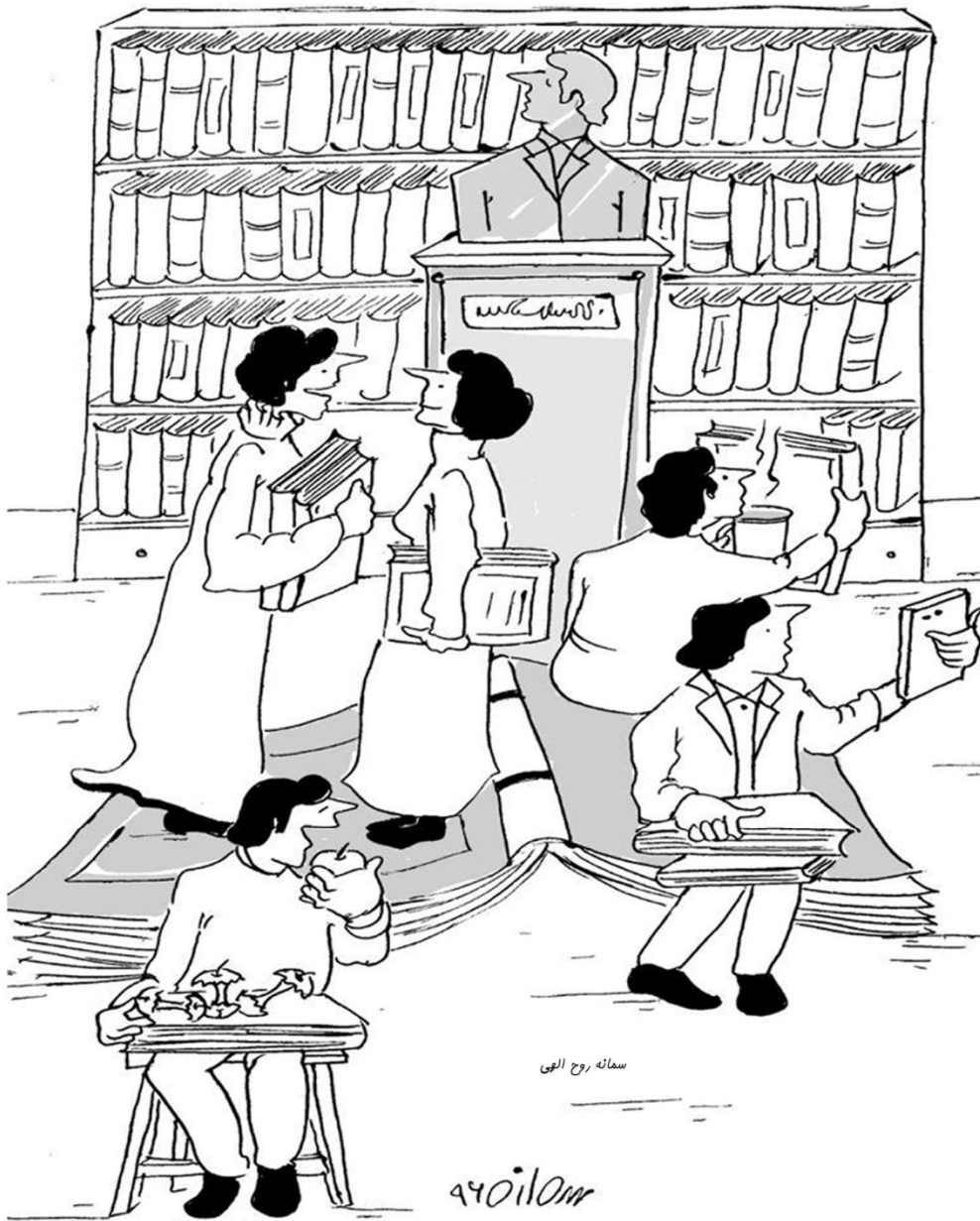
دست یک عده‌ای ز مهمانان
بود گیتار و تنبک و قلیان!

بانوان با لباس مهمانی
مثلاً بود مثنوی خوانی

رقص و آهنگِ دنیوی بودش
همه چی غیر مثنوی بودش

بنده پرسیدم از کسی آنجا:
«بوده در قرن چند مولانا؟»

داد یک پاسخی که نادر بود
گفت: «او شاعر معاصر بود!»



سماحه روح الهی